



سلمان محمدی و مقام عرش

به مناسبت وفات باب الله فی الارض سلمان محمدی علیه السلام، در این مطلب طیّ بحث دقیقی به فضایل آن جناب اشاره میکنم، و انشاءالله که خداوند بنده را از خطای در کلام محفوظ بدارد.

مقدمتاً عرض میکنم، چنانکه مسلم است تمامی عوالم و مراتب خلقت دارای ده رتبه می باشد که عبارت اند از عرش، کرسی، هفت فلک و یک زمین، چنانکه در عالم جسم مشهود بوده و هر عالمی نیز این مراتب را به نوبه خود دارا است، چنانکه مرحوم کرمانی اعلی الله مقامه میفرماید: **العالم لایکون عالماً الا ان یکون له عرش و کرسی و افلاک و عناصر و موالید بینها فانها کلها من تمام الخلق الواحد و قد قال الله عزوجل ماتری فی خلق الرحمن من تفاوت.**

و فیوضات نیز به همین ترتیب مذکور از عرش به زمین هر عالم میرسد، و از ادنی درجه، به عرش عالم پایین تر منتقل میشود، چرا که عرش، برزخ فی مابین دو عالم بوده و شبیه ترین رتبه عالم اسفل به عالم اعلی است، و از خصوصیات عرش این است که به جهت هم شکلی با مبدأ، واحد بوده و کثرتی ندارد چرا که ابتداء کثرات و تعلقات هر عالم از کرسی است، اما با این حال کاملیت و جامعیتی دارد که قادر به فیض رسانی به تمام مراتب تحت خود میباشد، چنانکه سید مرحوم اعلی الله مقامه در رساله هیئت خود میفرماید: **ان المبدء لابد ان یکون عرشا لاستواء الرحمن و خزانه لجمع ما تستحق السوافل فهو کامل فی رتبه البساطه و الفیض لایجوز ان یصدر جزئیا فاقتضی ان یکون هنا فلکا کلیا محیطا بجمع المراتب و هو العرش و لما کانت الفیوضات کلیه غیبیه مجمله و لاستیها لالسوافل ان تتلقیها کذلک لقصورها فوجب ان یکون لتلك الاجمالات مقام تفصیل و وجب ان یکون رتبه التفصیل ایضا ظاهره فی فلک تحت الفلک الاول و هو فلک الکرسی.**

حال عرش هر عالمی، مصداقی در عالم دهر دارد و مصداقی در عالم زمان، مصداق دهری آن اعلی رتبه تمامی افراد آن دایره است، که همیشه یکی بوده و خواهد بود، چنانکه در عالم عقل (ائمه علیهم السلام)

حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، در عالم روح (انبیاء) حضرت نوح علیه السلام است و در عالم نفس (سایر اناسی) حضرت سلمان صلوات الله علیه میباشد، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمودند **الإيمانُ عشرُ درجاتٍ فالمقدادُ في الثامنةِ و أبو ذرٍّ في التاسعةِ و سلمانُ في العاشرةِ** یعنی سلمان در مرتبه ده از ایمان است و ده مرتبه عرش میباشد که مقام کثرت نیست. در این مطلب بیش از این به عروش عالم دهر وارد نمیشویم چرا که مشایخ ما اعلی الله مقامهم نیز زیاد به این مبحث وارد نشده اند.

اما در عالم زمان، مصداق عرش، اعلی مرتبه افراد زنده و حیّ آن عالم است چنانکه در عالم عقل امام زمان هر عصر است علیه السلام، که البته از جهت آنکه فرموده اند **العقل وسط الكل**، امام عصر عرش و قطب کلی برای تمام عالم امکان است و باب اعظم خداوند است برای تمامی عوالم، اما سایر عرش ها جزئی بوده و تنها احاطه بر عالم خود داشته و باب همان عالم است.

چنانکه در عالم روح (انبیاء) اشرف ایشان در حال حاضر حضرت عیسی علیه السلام است و در عالم نفس نیز نظایر سلمانند که هر کدام در عصر خود باب امام علیه السلام برای نقباء میباشند که تا پیش از غیبت کبری شناخته شده بوده اند اما پس از جناب علی بن محمد سمری تا زمان ظهور حضرت ولی عصر عجل الله فرجه، عرش عالم نفس غائب بوده و برای ما شناخته شده نیستند.

در مقدمه فوق، برای عرشیون که اصل ایشان سلمان بوده و ما بقی نظایر آن جنابند، به چهار مقام اشاره کردیم، **1- برزخ بودن 2- جامع و کامل بودن و 3-باب بودن**. در ادامه احادیث اهل بیت علیهم السلام را در هر مورد ذکر میکنم تا معرفت بیشتری نسبت به آن حضرت پیدا کنیم.

1- برزخ بودن سلمان علیه السلام:

برزخ مقامی است که ما بین دو عالم عالی و دانی قرار گرفته و مناسبتی با هر دو دارد و از این جهت است که توانایی واسطه شدن برای رسیدن فیوضات از عالی به دانی را دارد.

حضرت سلمان علیه السلام نیز در عالم نفس دارای چنین رتبه ای است که در شأن آن جناب امام صادق علیه السلام میفرماید: **إِنَّمَا صَارَ سَلْمَانُ مِنَ الْعُلَمَاءِ لِأَنَّهُ أَمْرٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ عَ فَلِذَلِكَ نَسَبُهُ إِلَيْنَا**. و میفرمایند **نَحْنُ الْعُلَمَاءُ وَ شِيعَتُنَا الْمُتَعَلِّمُونَ** یعنی مقام عالم مقام حجة الله و خلیفة الله است که برای تعلیم عباد آمده اند و جمیه عباد متعلمند، اما سلمان صار من علماء و منا اهل البيت و همین مقام برزخیت اوست یعنی من حیث الاعلی از ایشان است، و همچنین فرموده اند **سَلْمَانٌ كَانَ مُحَدَّثًا** که این نیز مؤید همین مطلب است.

در این مورد مرحوم کرمانی اعلی الله مقامه در دروس خود میفرماید:

سلمان جزو انبیاء و اولیاء نیست بلکه برزخ مابین انبیاء و اناسی است یعنی فیضها و مددهایی که از انبیاء باید به رعیت برسد اول به مثل سلمان می رسد بعد از آن نفوذ می کند و به رعیت می رسد و نمی گویم که این مقام مخصوص سلمان است بلکه می فرماید یونس بن عبدالرحمن فی عصره کسلمان فی عصره یونس در عصر خود مثل سلمان است در عصر خود پس در مقام تشیع یعنی

قابلیت شیعه را می‌توان تصفیه کرد شیئا فشیئا تا اینکه برسد به مقامی که عدل و اصفی باشد از سایر شیعه.

و در این خصوص مرحوم کرمانی اع در طریق النجات می‌فرماید:

و لاتحسبن هذا الشرف مخصوصا بهؤلاء المذكورین بل نظراًؤهم فی کل عصر و قوام العالم بهم و هم المؤمنون بالامام المقتدون به و لا بد لكل امام من مؤتم به و الا لم یکن الامام اماما و روي في منتهي المقال عن الرضا عليه السلام ابو حمزة الثمالي في زمانه كلقمان في زمانه و ذلك انه خدم اربعة منا علي بن الحسين و محمد بن علي و جعفر بن محمد و برهة من عصر موسى بن جعفر و يونس في زمانه كسلمان الفارسي انتهى ، و عن فضل بن شاذان حج يونس بن عبدالرحمن اربعا و خمسين حجة و اعتمر اربعا و خمسين عمرة و الف الف جلد ردا علي المخالفين و يقال انتهى علم الائمة الي اربعة نفر اولهم سلمان الفارسي و الثاني جابر و الثالث السيد و الرابع يونس عبدالرحمن.

تمام نضائر سلمان عليهم السلام که در متن فوق ذکر نمودند هر کدام در عصری باب امام علیه السلام بوده اند که در مناقب ابن شهر آشوب ذکر اسامی ایشان شده و حسین بن حمدان نیز در اصل خود تمامی احادیث مربوطه را روایت میکند، من جمله از محمد بن سنان از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمودند: ان الله جعل الامامة بعد الرسالة في امير المؤمنين صلوات الله عليه و احد عشر شخصا من ولده و جعلهم الحجة في اهل ملكه و القوام بامرهم و نهيه و معادنا لعلمه و سره و جعل لهم اثني عشر بابا لكل امام باب يكون يدخل المؤمنون منه الي علمه فمن جحد بابا فقد جحد اماما و يآبي الله ان يقبل لجاهد الباب صرفا و لا عدلا يظهر الاحد عشر بابا فيظهر الاحد عشر امام و يغيب الباب الثاني عشر بغيبة الامام الثاني عشر الخبر فيه ان بغيبة الامام الثاني عشر يغيب الباب الثاني عشر .

یعنی: همانا خداوند امامت را بعد از رسالت در امیر المؤمنین صلوات الله علیه و یازده نفر از فرزندان او قرار داد. و ایشان را حجت در اهل ملکش و قوام به امر و نهیش و معادنی برای علم و سرش قرار داد. و برای هر کدام دری قرار داد، برای هر امامی دری که مومنین از آن به علم او وارد میشوند. پس کسی که یکی از آن درها را انکار کند به تحقیق امامی را انکار کرده است و خداوند از انکار کننده صرف و عدلی را قبول نمی‌کند. یازده باب ظاهر میشوند پس یازده امام نیز ظاهر میشوند، و غائب میشود باب دوازدهم به غیبت امام دوازدهم.

2- جامع و کامل بودن

در مقدمه گفتیم که مقام عرش جامعیت و کاملیتی دارد که سبب میشود تا قابلیت دریافت و نشر فیوضات را داشته باشد، از این جهت برای این فضل سلمان علیه السلام هم احادیثی ذکر میکنم، از جمله فرموده اند، سلمان أدرك العلم الأول و الآخر و هو بحر لا ينزح یعنی سلمان علم اول و آخر را میداند و دریایی است که پایان ندارد.

و فرموده اند **إِنَّ سَلْمَانَ عَلِمَ الْإِسْمَ الْأَعْظَمَ** و مقام بالایی است دانستن اسم اعظم، چرا که تنها اعظم و عرش هر رتبه ای است که حامل نور اسم اعظم خداوند یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله میباشد، چنانکه وارد شده عاصف بن برخیا تنها یک حرف از 73 حرف اسم اعظم را میدانست و با قدرت یک حرف از آن تخت بلقیس را در چشم بهم زدنی حاضر کرد.

3- باب بودن

سلمان باب حضرت محمد صلی الله علیه و آله و باب امیرالمؤمنین علیه السلام بوده و در این مورد احادیث بسیاری وارد شده که بعضی آن را ذکر میکنم:

1- امیرالمؤمنین علیه السلام به ابانز میفرمایند: **يا ابانز ان سلمان لو حدثك بما يعلم لقلت رحم الله قاتل سلمان يا ابانز ان سلمان باب الله في الارض من عرفه كان مؤمنا و من انكره كان كافرا و ان سلمان منا اهل البيت.**

2- در حدیثی که از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله پیرامون فضایل سلمان، خطاب به ازواجشان وارد شده که فرمودند **هو باب اخي اميرالمؤمنين و المؤمنات و علي بابي و انا مدينة العلم فاعرفوا سلمان.**

3- امام صادق علیه السلام میفرمایند: **مقام سفينة مع اميرالمؤمنين و مع الحسن مقام سلمان مع رسول الله و اميرالمؤمنين صلوات الله عليهما و هو بابهم و لا بد من باب مع كل امام في كل عهد و زمان منذ عهد ادم الي ظهور المهدي.**

4- امام صادق علیه السلام میفرمایند: **كان ابوخالد الكابلي من كابل شاه و كان يقوم لسيد العابدين علي بن الحسين عليهما السلام بالبابية مقام سلمان لامير المؤمنين (ع) و مقام سفينة للحسن و مقام رشيد للحسين عليهما السلام.**

با عرض پوزش از اینکه به علت کمبود وقت به ترجمه احادیث نپرداختم، انشاءالله که مطلب فوق مورد استفاده برادران قرار گرفته باشد.